

شؤون فقیه و ولایت فقیه در نگاه شیخ جعفر کاشف الغطا

محمد معرفت^۱

چکیده

تفکر سیاسی همواره در حوزه فقه حکومتی اسلام مطرح بوده و فقهای اسلام از جمله کاشف الغطا در بخش‌های مختلف فقه، به آن پرداخته‌اند. افزون بر جایگاه علمی و موقعیت اجتماعی، عصر کاشف الغطا در شکل‌گیری و نفوذ اندیشه سیاسی وی مؤثر بوده است. از جمله اختیارات و شؤون فقیه در عصر غیبت از نگاه کاشف الغطا، تصدی امر جهاد، اقامه و اجرای حدود، مقام افتا، نصب قاضی و شیخ الاسلام و تولیت خمس و زکات می‌باشد. ایشان بر اساس همین شؤون، در عرصه سیاست داخلی به دفع خطر اخباریان، و در عرصه سیاست خارجی حکم جهاد و اذن تشکیل سپاه به فتحعلی شاه قاجار داد و او را نایب خود ساخت. وی بنابر اصل عدم ولایت معتقد است مخلوقات در عبودیت با هم برابرند و کسی جز خداوند دارای سلطه حقیقی نیست؛ پس اوامر و نواهی نیز تنها از جانب خداوند یا کسی که منصوب از ناحیه او است، باید صادر شود. مبانی نظری او در کتاب *کشف الغطا* و سیره عملی ایشان در اجرای قوانین اجتماعی اسلام، حکایت از پذیرش ولایت عامه فقیه برای نایب عام امام یعنی مجتهد جامع الشرایط دارد. این اثر، علاوه بر بررسی برخی جریان‌های تاریخی و سیره عملی کاشف الغطا، مبتنی بر توصیف و تحلیل آرای سیاسی ایشان، با استفاده از آثار مکتوب وی است.

کلیدواژه‌ها

شیخ جعفر کاشف الغطا، اندیشه سیاسی، فتحعلی شاه قاجار، علمای عصر قاجار، حکومت، ولایت فقیه.

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال؛ m.marefat@iau-tnb.ac.ir

مقدمه

تاریخ معاصر ایران گویای تجربه‌های تازه‌ای است که بازتاب آن را می‌توان در دگرگونی‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این جامعه مشاهده نمود؛ از این رو تحلیل نقش آفرینی عالمان شیعه در چنین بستری، فقط همپای درک دگرگونی‌های جامعه ایران امکان‌پذیر خواهد بود. بدون تردید نمی‌توان نقش عالمان شیعی مذهب را در روند دگرگونی‌های تاریخ معاصر ایران انکار کرد. امتیازی که عالمان شیعه را بر صدر رخدادهای تاریخ معاصر ایران نشانده، پیشوایی معنوی و سنتی ایشان در جامعه‌ای مذهبی می‌باشد. کامیابی عالمان شیعی در جایگاه سنتی خود، همواره نیاز به برآورده شدن دو شرط در ارتباط با ساختار درونی و روابط بیرونی نهاد روحانیت داشته است. نخستین شرط درونی و به میزان هماهنگی علمای هر دوره برای دستیابی به آرمان مورد نظر خود، و دومین شرط به چگونگی ارتباط بیرونی آن‌ها با جریان‌های سیاسی موجود در راستای هدفمند ساختن و تأثیر نهادن بر این جریان‌ها مربوط می‌شود. در تاریخ معاصر ایران، مهم‌ترین پیروزی‌های عالمان شیعی فقط در مقاطعی بوده که به هماهنگی‌های یاد شده، دست یافته‌اند. در این راه برآورده شدن نخستین شرط، به میزان درک علمای هر دوره با افکار و آرای یک‌دیگر و برداشتن گام‌های عملی مشترک و دومین شرط، به میزان آگاهی علمای هر دوره از روند جریان‌های سیاسی موجود بستگی داشته است؛ از همین رو، آشنایی بیشتر با اندیشه سیاسی عالمان و بررسی زندگی و مجاهدت‌های ایشان از وظایف اصلی محققان عصر حاضر است. این نوشتار، پس از بیان شرح حال و مجاهدت‌های شیخ جعفر کاشف الغطا (۱۱۵۴-۱۲۲۸ق) در دوره قاجار، دیدگاه‌های وی در حوزه مسائل مختلف سیاسی با محوریت مسأله ولایت فقیه، در قالب بررسی مفهوم و جایگاه سیاست و حکومت از منظر ایشان ارائه شده است.

تأثیر جایگاه علمی و اجتماعی در نفوذ تفکر سیاسی

جعفر بن خضر بن یحیی جناجی نخعی حلّی نجفی، معروف به کاشف الغطا و شیخ اکبر در سال ۱۱۵۴ هجری قمری در شهر نجف متولد شد. نسب او به فرمانده لشکر مختار ثقفی، ابراهیم بن مالک اشتر نخعی می‌رسد. وی از اوایل کودکی نزد آقا محمدباقر وحید بهبهانی، پدر خود، شیخ محمد تقی دورقی نجفی، سیدصادق فحّام و شیخ محمد مهدی فتونی و چند روزی هم نزد سید محمد مهدی بحرالعلوم به فراگیری علوم دینی پرداخت. کتاب کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء را می‌توان عالی‌ترین و مهم‌ترین اثر شیخ جعفر دانست. (حیب‌آبادی، ۱۳۶۴ش، ج ۳: ۸۵۲-۸۵۳) این کتاب به زبان عربی با سبک و سیاق خاصی در سه فن طراحی شده است. در فن اول، اصول عقاید و در فن دوم، اصول فقه مورد بحث قرار گرفته، سپس عناوین فقهی در ابواب طهارت، نماز، قرآن، ذکر، دعا، روزه، اعتکاف، زکات، خمس، وقف، جهاد و حج به صورت استدلالی آورده شده است.

نیل به جایگاه والایی از علم و عمل، بزرگان را به مدح و تمجید از مرتبت ایشان واداشته است. محدث نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق)، وی را بزرگ علما، شمشیر اسلام، زبردست در عرصه پژوهش و تحقیق معرفی کرده؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰: ۱۱۵) می نویسد: «او از نشانه‌های شگرف خداوند است که عقل‌ها از درک آن و زبان‌ها از توصیف آن ناتوانند. اگر به دانش کاشف الغطا نظر کنی، کتابش کشف الغطا - که در مسافرت تألیف کرده - تو را از امری عظیم و از مقامی بلند مرتبه در مراتب علوم دینی، خواه اصول یا فروع مطلع می‌سازد.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰: ۱۱۷)

شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق) او را شیخ اکبر و از آیات عجیبه الاهیة معرفی می‌کند که زبان از وصفش عاجز است. (قمی، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ۱۳۶-۱۳۷) وی در مدح مقام علمی کاشف الغطا می‌گوید: «هنگام تألیف کتاب کشف الغطا تنها کتاب قواعد علامه حلی (رحمه الله) را در اختیار داشته است. این کتاب شریف از کثرت احاطه آن بزرگوار بر احکام اسلام خبر می‌دهد؛ آن‌که در چه مرتبه از علم و چه درجه از فهم بوده است. ایشان می‌فرموده اگر همه کتب فقهیه را بشویند من از حفظ از طهارت تا دیات را می‌نویسم!» شیخ عباس (رحمه الله) در تمجید از موقعیت اجتماعی ایشان نیز می‌نویسد: آن جناب را خداوند مهابت عظیم و مقبولیت نزد کافه مردم از پادشاهان، تجار و رعیت عنایت فرموده بود؛ با این حال، برای اعانت فقرا، ضعفا و مؤمنان بذل جاه می‌فرمود و برای اطعام مساکین کوشش‌ها می‌نمود. (همان)

شهید مطهری (رحمه الله) او را فقیه فوق العاده ماهر و صاحب کتاب معروف کشف الغطا دانسته؛ (مطهری، ۱۳۷۷ش، ج ۱۴: ۴۳۶) که استاد دو فقیه برجسته، سید جواد حسینی عاملی غروی صاحب مفتاح الکرامه و شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام بوده، و در علم فقه دارای نظریات دقیق و عمیق بوده و از او به بزرگی یاد می‌شود. پسرانش نیز همگی از علما بوده‌اند. (همان)

تأثیر عصر کاشف الغطا در شکل‌گیری اندیشه سیاسی وی

در مطالعه شخصیت فکری و علمی این فقیه بزرگ، بررسی چگونگی تعاملش با وقایع و حوادث عصرش ضروری می‌باشد. مواضع سیاسی و موضع‌گیری‌های وی در قبال دولت وقت ایران، با توجه به درگیری با دولت بیگانه و اشغال بخش‌هایی از مملکت از سوی دشمن، از نکات قابل توجه در بررسی تفکر سیاسی کاشف الغطا است. شیخ جعفر از نظر تاریخی، هم‌دوره فتحعلی شاه قاجار بود که زندگی اداری و دربار در حال گسترش روز افزون بود. شاه برای قدرت دادن به حکومت نوپای خود به دوستی و همکاری عالمان دین احتیاج داشت. نیاز شاه به جلب رضایت علما، جایگاه اجتماعی آن‌ها را قوت بخشید؛ تأثیر و نقش روحانیان در رخدادهای مختلف به ویژه امور مردم فزونی یافت. علاقه فتحعلی شاه به مسائل مذهبی و شعائر دینی و احتیاج او به شرعیت دادن به سلطنت خاندان قاجار، به طور طبیعی دوستی و ارتباط نزدیک شاه با عالمان و پذیرفتن بسیاری از مطالبات آن‌ها را همراه داشت.

فعالیت‌های فتحعلی‌شاه - از جمله طلا کاری گنبد و ایوان و نصب ضریح نقره‌ای در حرم حضرت سید الشهدا (علیه‌السلام)، ساختن گنبد بارگاه حضرت ابی‌الفضل (علیه‌السلام)، طلا کردن گنبد و ساختن صحن بزرگ حرم حضرت فاطمه معصومه (علیها‌السلام) دختر امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام)، بنای صحن و اهدای قندیل‌های زرین برای حرم امام رضا (علیه‌السلام)، نصب ضریح نقره‌ای بر مزار حضرت شاه عبدالعظیم (علیه‌السلام)، نصب ضریح نقره‌ای بر بارگاه حضرت شاه چراغ (علیه‌السلام) و ساختن مساجد، مدارس علمیه و مانند آن، نشانه اهتمام دولت قاجار، برای خدمت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و حمایت از مذهب تشیع است.

در زمان حکومت قاجار فرهنگ ترویج و دفاع از مذهب تشیع گسترش یافت. آنان به منظور تقویت بنیان و اساس سلطنت خود به حمایت علما برخاستند و کشور ایران به خاطر حضور بهتر عالمان درخشید؛ (مظفر، ۱۳۸۳ ش، ۳۱۰-۳۱۲) در این دوره، شرایط برای شکوفایی نظریات فقهی و سیاسی عالمان فراهم شد. شیخ جعفر کاشف‌الغطا هم از این قاعده خارج نبود. محبوبیت و شهرت وی در این دوران به حدی بود که به فتحعلی‌شاه اذن جهاد داده، او را نایب خود در این عرصه معرفی کرد؛ و توصیه نمود که در هر گروهی از سپاه، مؤذنی بگمارد و در لشکر، امام جماعت باشد و یک روز در هفته به سخنرانی پردازد. (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۳۵)

سیاست در عرصه داخلی

از جمله علل همکاری کاشف‌الغطا با نظام سلطنت، خطری بود که از ناحیه اخباری‌ها، اسلام را مورد تهدید قرار می‌داد. هرچند فتحعلی‌شاه در دشمنی با متصوفه، به طور روشن با علما همراستا بود، اما نقش او در مشاجرات بین علمای اخباری و علمای اصولی روشن نبود؛ از این رو اصولیان به شاه سوء ظن داشته و اعتقاد داشتند او خود را در اختیار اخباری‌ها قرار داده است. یک سوی این نزاع، کاشف‌الغطا و دیگر سو، میرزا محمد اخباری بود و پای شاه نیز به میان کشیده شد. شیخ جعفر معتقد بود میرزا محمد اخباری در حاشیه کتابی که برای شاه نگاشته، از تفسیری استفاده کرده تا از احترام عالمان نزد شاه بکاهد. شدت ناسزاگویی و پرده دری میرزا محمد، در جریان مناظرات، موجب برانگیخته شدن علمای عراق بر ضد او شد؛ این موضوع، این امکان را به شیخ جعفر داد تا او را تخطئه کند. در این باره، شیخ رساله‌ای شیوا به نام کشف‌الغطاء عن معایب میرزا محمد اخباری نوشت و در آن، کارهای نکوهیده او را به طور مستدل بیان کرد و بر عقاید کفرآمیز او خرده گرفت. (رک: خوانساری، ۱۳۹۰ ش، ج ۲: ۲۰۲)

سیاست در عرصه خارجی

مطلبی که نشانگر مقبولیت عام، و جاهت ملی و قدرت کاشف‌الغطا در آن زمان است، رویداد سال ۱۲۲۱ هجری قمری است؛ زمانی که حاکم بغداد - علی پاشا - به هدف تصرف کرمانشاهان به سمت ایران حرکت

کرد و شاهزاده محمد علی میرزا اقدام به مقابله با او کرد. بعد از شکست سپاهیان علی پاشا و فرار آنها، عثمانی‌ها برای سازش و دوستی، متوسل به شیخ جعفر شدند و شفاعت شیخ نزد شاهزاده با موافقت روبرو شد. (رک: خورموجی، ۱۳۴۴ش، ج ۱: ۱۳)

از دیگر علل همکاری شیخ با دولت قاجار، ماجرای جنگ‌های ایران و روس است. کشتار مسلمانان گنجه باعث شد حکومت که از یاری دولت‌های فرانسه و انگلیس ناامید شده بود، دست توسل به دامن عالمان دراز کند؛ از این رو میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی، ملا محمد باقر سلماسی و ملا صدرالدین محمد تبریزی را به عراق فرستاد تا شیخ جعفر کاشف الغطا و سید محمد اصفهانی را از جریان حملات دولت استعمارگر روس به گرجستان و داغستان آگاه کنند. وقتی علمای عتبات از چگونگی موضوع اطلاع یافتند، نمایندگانی به قم، گلستان، یزد، اصفهان، شیراز و دیگر شهرها گسیل داشته، حکم جهاد صادر کردند. (آبادیان، ۱۳۸۰ش، ۹۷-۹۸)

او همچنین وقتی با یورش دولت روس به کشور اسلامی ایران مواجه شد، به شاه قاجار برای دفاع از سرزمین اسلامی اذن جهاد داد. به اعتقاد کاشف الغطا اذن گرفتن از مجتهدان سازگارتر با احتیاط و نزدیک‌تر به رضایت آفریدگار عالم است و نشان دهنده نهایت بندگی و خشوع نزد خداوند جهانیان است. (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۳۳) در همین باره می‌نویسد: «من اگر مجتهد باشم و شایستگی نیابت از طرف سادات زمان را داشته باشم، به فتحعلی شاه اذن می‌دهم داد تا در راستای مهیا کردن لشکر و مبارزه با کفار و طاغوت اقدام کند. وی هزینه‌های مورد نیاز برای این امر مهم را از مالیات و زکات و مانند آن تأمین کند.» (همان)

فتوای کاشف الغطا مبنی بر جهاد با دولت روس در رساله جهادیه اثر سید میرزا ابو القاسم قائم مقام فراهانی (م ۱۲۵۱ش)، وزیر فتحعلی شاه قاجار، نقل شده است. (رک: فراهانی، ۱۴۲۶ق، ۵۵۱-۵۵۴؛ نجفی، ۱۳۹۵ش، ۱۰۱-۱۰۲) او در این فتوا، ابتدا همه را به جهاد با اهل کفر دعوت می‌کند و از همه اهل ایران از عراق، فارس، آذربایجان و خراسان می‌خواهد شمشیرها را برای محافظت از کیان اسلام از غلاف درآورند و در طریق یاوران خدا قرار گیرند و به راندن اهل کفر از دین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و مذهب امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اقدام کنند. سپس برای تقویت عزم مردم، به آیات «لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعْيُنٍ، فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ، فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ، وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ، وَ نَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ، وَ زُرَّابِي مَبْنُوتَةٌ» (غاشیه (۸۸)، ۱۱-۱۶) استناد می‌کند که قیام کنید و جان‌های خود را به بهای گران بفروشید تا بهشت برین را دریابید که در آنجا برای شما حوران آراسته و غلمان به خدمت برخاسته، اندوخته شده است. هم چنین با استناد به فرازی از دعای ماه مبارک رمضان «وَ قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا» (سید ابن طاووس، ۱۳۶۷ش، ۶۱، دعای افتتاح) به مسلمانان می‌گوید: آیا به خداوند عالم خطاب نمی‌کردید: شهادت نهایت آرزو و مطلوب شما است؟ آیا مکرر در زیارت امام حسین (علیه السلام) نمی‌گفتید: «لَيْتَنَا كُنَّا مَعَ الشُّهَدَاءِ فِي كَرْبَلَاءِ»؛ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۹۴) به یاد آورید

آرزوی خود را در عبارت «لَيْتَنَا كُنَّا حَاضِرِينَ يَوْمَ الطُّقُوفِ وَ نَفَدِي نُفُوسَنَا لِلْحُسَيْنِ وَ نَجْعَلُهَا قَايَةً دُونَ طَعْنِ الرَّمَاحِ وَ ضَرْبِ السُّيُوفِ»؛ در نهایت، به پشتوانه نظر خاتم انبیا، سید اوصیا و سایر ائمه خصوصا حضرت صاحب الزمان (علیهم السلام)، اندیشه سیاسی خود را در مسأله جهاد چنین بیان می کند: سیاست جهاد و راندن کفار و تشکیل سپاه اختصاص به پیامبران و ائمه اطهار و عالمی دارد که قائم مقام ایشان است؛ از این رو با وجود موانع ظهور و عدم امکان قیام ما و قیام علما، اذن دادیم به پادشاه این زمان فتحعلی شاه که معترف به اطاعت از قوانین اسلام است و در دفع دشمنان پیرو راه شریعت می باشد. هر کس در سپاه او کشته شود، در لشکر ما کشته شده و هر کس اطاعت از ایشان کند، اطاعت از ما کرده و هر کس او را کمک نکند، پشیمان شود و از شفاعت ما در قیامت محروم خواهد بود. (فراهانی، ۱۴۲۶ق، ۵۵۱-۵۵۴؛ نجفی، ۱۳۹۵ش، ۱۰۱-۱۰۲)

علت همکاری و حمایت ایشان از نظام سلطنتی قاجار در عصر فتحعلی شاه روشن است؛ در واقع، او به همراهی مدبرانه و مصلحتی با حکومت قاجار، به قصد محافظت از جوهره اسلام، سرزمین های اسلامی و جان مسلمانان از خطر کفار و دشمنان داخلی و خارجی، معتقد بوده و اطاعت از سلطان مأذون به اذن مجتهد جامع شرایط را به منظور حفظ کیان اسلام جایز دانسته است. (ر.ک: کاشف الغطا، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۳۳)

رویکرد حکومتی به فقه

فقه حکومتی شناخت احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی در قالب یک نظام مبتنی بر قدرت حاکم در یک حکومت است. فقه، رفتارهای هدفمند آدمی را که با مطالبات آفریدگار هستی ارتباط دارد، سر و سامان می بخشد؛ و حکومت، روابط آدمیان در یک اجتماع را تنظیم و مدیریت می کند. این دو موضوع ارتباط زیادی با خجستگی و خوشبختی بشر دارند. ارتباط دین و سیاست را می توان در گستره های مختلف هر یک از این دو بررسی کرد. آن حوزه از ارتباط این دو که با فقه حکومتی مرتبط است، حوزه های رفتاری و عملی آن است. به طور مشخص، مراد حوزه مشروعیت حکومت است.

شیخ جعفر که هم دوره با فتحعلی شاه در زمان هجوم روس ها به ایران بوده، مجتهدی سیاست آشنا و زمان شناس بود. او افزون بر عمل سیاسی، آثار و فتاوی در زمینه فقه حکومتی دارد. باب جهاد او در کتاب کشف الغطا یکی از آثار مهم در مسائل فقه حکومتی اسلام است. (منتظری، ۱۳۶۷ش، ۴۷) دست کم در بخش اهداف و قوانین حکومت و سیاست، می توان دیدگاه «ارتباط دین و سیاست» را به کاشف الغطا نسبت داد؛ در واقع، می توان امتزاج دین و سیاست را یکی از کلیدهای اصلی تفکر سیاسی ایشان دانست. برای مثال، به باور ایشان، یاری و مساعدت سلطان بر مردم واجب است. چنانچه کسی با او مخالفت کند، به تحقیق با علمای اعلام مخالفت کرده، و کسی که با علمای اعلام مخالفت کند، با امام معصوم (علیه السلام) مخالفت کرده، و هر که با امام معصوم (علیه السلام) مخالفت ورزد به تحقیق با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مخالفت کرده، و هر کس با رسول الله مخالفت کند با خداوند عالم مخالفت کرده است. (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۳۳)

تعبیر ایشان در باب جهاد، نشان از پویندگی فقه اسلام در گستره حکومت و جامعه دارد. به اعتقاد او دفع طاغوت، یعنی قدرت‌های سیاسی ناروایی که در داخل و خارج از سرزمین اسلامی حاکمیت دارند، بر همگان واجب است. (همان) برخی از اندیشمندان، آرای برجسته او در فقه حکومتی اسلام را چنین برشمرده‌اند: ۱. اعتقاد به ولایت فقیه لازم است و او به عنوان نایب امام در امور سیاسی، نظامی و دیگر شؤون زندگی اجتماعی مردم حق دخالت دارد؛ ۲. حکومت حاکمی که مأذون و منصوب از جانب فقها نباشد، حکومت طاغوتی بوده و مشروعیت ندارد؛ ۳. در صورت امکان، تأسیس حکومت اسلامی توسط فقیه لازم است. (ر.ک: منتظری، ۱۳۶۷ش، ۴۷)

ولایت فقیه در اندیشه سیاسی کاشف الغطا

امام خمینی، کاشف الغطا را یکی از باورمندان به اصل ولایت فقیه می‌داند. (امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۴ش، ۱۴۰-۱۴۱) اگرچه مباحث مربوط به ولایت فقیه پیش از کاشف الغطا نیز مطرح بوده، اما دیدگاه او در این مسأله، مبنای مباحث مستقلی قرار گرفت که از جانب اندیشمندان پس از او توسعه و گسترش یافت. موضوع ولایت فقیه و صدور حکم حکومتی از ابتدا، مورد توجه بوده است. حکم مرحوم میرزا محمدحسن شیرازی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ق) در حرمت تنباکو چون حکم حکومتی بود، برای فقهای دیگر نیز واجب الاتباع بود. مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۵۶-۱۳۳۸ق) که حکم جهاد داد و همه علما تبعیت کردند، برای این است که حکم حکومتی بود.

البته برخی از پژوهشگران با استفاده از چگونگی ورود کاشف الغطاء به بحث ولایت فقیه، این برداشت را دارند که مطابق مبانی توحیدی و اعتقادی دین اسلام، تکالیف شرعی و حقوق همگان، الهی است و هیچ کس حق ندارد بر کسی حاکمیت داشته باشد؛ یعنی، اصل، عدم ولایت است. (جعفر پیشه فرد، ۱۳۸۱ش، ۵۷)

«اصل عدم ولایت» از دیدگاه کاشف الغطا

از نظر کاشف الغطا اصل این است که کسی بر دیگری ولایت و سلطه‌ای ندارد. در حقیقت اصل اولیه، عدم ولایت فردی بر دیگری است، مگر ولایتی که از جانب خداوند ناشی شده باشد؛ زیرا مخلوقات در عبودیت و بندگی با هم برابرند و کسی جز خداوند دارای مالکیت و سلطه حقیقی نیست؛ پس اوامر و نواهی نیز باید تنها از جانب خداوند یا کسی که منصوب از ناحیه او است، صادر گردد؛ بنابراین، کسی را که خداوند به خاطر نبوت یا امامت یا علم یا نسب یا سبب و مانند آن سلطنت دهد، از حق حاکمیت برخوردار خواهد بود. (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۰۷)

مقصود از اصل عدم ولایت آن است که هیچ کس بر دیگران حاکمیت ندارد و حکم و دستور کسی نسبت به دیگران نافذ نیست؛ چرا که خداوند همه انسان‌ها را آزاد آفریده و هیچ انسانی بر دیگری ولایت ندارد. (انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۹: ۳۱۵) پس تا زمانی که دلیلی بر اثبات ولایت فقیه نداشته باشیم، باید به اصل اولی که همان عدم ولایت است، مراجعه کرد. معنای اصل عدم ولایت، آن است که هر انسانی به حسب آفرینش، بر جان و مال و شؤون زندگی خویش ولایت دارد مگر این که در مواردی خاص خالق انسان به کسی ولایت اعطا کند؛ بنابراین، در موارد شک در ولایت، اصل عدم ولایت است.

اختیارات و شؤون فقیه در عصر غیبت از نگاه کاشف الغطا

قائلان به ولایت سیاسی فقیه اعتقاد دارند در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام) وظایف فقها فراتر از محدوده فتوا، قضاوت و امور حسبه بوده و مدیریت نظم عمومی جامعه را نیز در بر می گیرد؛ بر این اساس، فقها نمایان عام امام معصوم (علیه السلام) هستند و همان ولایتی را که امام معصوم (علیه السلام) در امور حکومتی و سیاسی دارد، برای فقها نیز ثابت است. به اعتقاد کاشف الغطا در دوران غیبت، نمایان عام امام زمان (علیه السلام) که فقهای جامع الشرایط اند، جانشین آن حضرت در اجرای سیاست‌ها و مسائل حکومتی هستند؛ (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۴۲۶ و ۴۳۰) طبق این دیدگاه، حکومت وقتی مشروعیت دارد که تحت زعامت و رهبری فقیه جامع الشرایط باشد و حاکمی که بدون نصب شارع یا جانشین او حکومت کند، طاغوت است. (ر.ک: همان، ۳۳۱-۳۳۵) وی به صراحت، به تبیین مناصب فقیه در عصر غیبت پرداخته و بدون کمترین ابهامی به تشریح آن‌ها می پردازد. در ذیل برخی از مهم ترین این موارد را می آوریم:

۱. تصدی امر جهاد

به نظر شیخ جعفر، صدور امر و نهی از جانب منصوب خداوند، داخل در امر عظیم جهاد است که این نیز به نوبه خود دو نوع است:

نوع اول، جهادی است که هدف آن، دفاع از کیان اسلام و نفوس و اعراض مسلمین نیست؛ بلکه هدف، هدایت کافران و وادار نمودن آن‌ها به اقرار و اعتراف به اسلام، بعد از انکار آن است. به تصریح کاشف الغطا، این نوع قطعاً منصب امام یا منصوب خاص ایشان است نه منصوب عام؛ (همان، ج ۴: ۳۳۲)

نوع دوم، جهادی است که با هدف دفاع از کیان اسلام صورت می گیرد، در جایی که اراده دشمنان به تضعیف یا شکست آن و استیلای کفر و تقویت آن تعلق گرفته، یا هدف جلوگیری از ورود دشمنان به اراضی مسلمانان و تصرف در آن‌ها و تعدی به ناموس و شهرهای مسلمین است؛ همچنین موارد دیگری از دفاع که تنها با جمع آوری و آماده سازی لشکر ممکن است. (همان)

از دیدگاه کاشف الغطاء، این نوع از جهاد هم، چنان که امام معصوم (علیه السلام) حاضر باشد، شأن و منصب امام است و دیگری حق دخالت نخواهد داشت؛ مگر این که فردی از جانب ایشان برای امر جهاد به صورت خاص، نصب شده باشد یا غیر از جهاد، مناصب دیگری چون افتا، قضا و غیره نیز از جانب امام به وی تفویض شود؛ اما اگر امام غایب بود یا حاضر بوده اما قادر بر اذن دادن نباشد، مجتهدان وظیفه دارند به مسئله دفاع از مسلمانان پردازند؛ در میان مجتهدان نیز افضل آنان یا مأذون ایشان مقدم خواهد بود. در این فرض نیز غیرمجتهدان حق تصرف این منصب را نخواهند داشت. اطاعت از مجتهدان و فقها نیز بر مردم واجب است و هر کس که با ایشان مخالفت کند، همانا با امام خویش مخالفت کرده است. (همان، ۳۳۳)

کاشف الغطاء مطابق با مبنایی که در حوزه نظری اتخاذ می کند، در حوزه عمل نیز برای جنگ و اخذ زکات و دریافت مالیات از مردم، به فتحعلی شاه قاجار اذن داده و مردم را نیز به عمل و اطاعت موظف می داند. به اعتقاد شیخ، چون اذن گرفتن ایشان از مجتهد، با احتیاط موافق تر و به رضای خدا و تواضع و خضوع در پیشگاه پروردگار نزدیک تر است. (همان)

۲. اقامه و اجرای حدود

به اعتقاد کاشف الغطاء، اقامه و اجرای حدود در صورت عدم حضور یا ناممکن بودن دسترسی به امام یا نایب خاص وی، بر عهده نایبان عام ائمه (علیهم السلام) یعنی مجتهدان و نیز کسانی که از جانب مجتهدان مأذونند می باشد، تا اجرای احکام تعطیل نشود. (همان، ۴۲۶) وی تصریح می کند که تمامی اقسام حدود و تعزیرات بر عهده امام معصوم (علیه السلام) یا نایب خاص یا نایب عام ایشان است؛ بنابراین، مجتهد جامع الشرایط مجاز است در زمان غیبت امام (علیه السلام) حدود و تعزیرات را اقامه کند، همه مکلفان نیز موظفند یاری رسان او در تحقق این هدف بوده و در صورت امکان، ستمگران را از او برانند. (همان، ۴۳۰)

۳. مقام افتاء

مقام افتای فقیه جامع الشرایط، پر دامنه و پرکار کرد است و می تواند در شکل دادن به روندها، تنظیم روابط، ایجاد وضعیت های خاص اجتماعی یا جلوگیری از پیدایش وضعیت های خاص اجتماعی تأثیرات بنیادی و اساسی داشته باشد. وظیفه مجتهد جامع الشرایط در زمینه افتاء، فقط کشف و به دست آوردن احکام اسلامی است؛ بدون آن که هیچ گونه دخل و تصرفی در آن نماید؛ چراکه اسلام، به کمال نهایی رسیده و میرا از فزونی و منزه از نقص است. کاشف الغطاء معتقد است مجتهد در صورت امنیت باید به صدور فتوا نیز اقدام نماید و بر مردم جایز نیست به غیر از مجتهد زنده مراجعه کنند. هم چنین وی معتقد است بردن نزاع برای داوری نزد غیر مجتهد جایز نیست و هر کس در امور یادشده به غیر مجتهد مراجعه کند، از جاده شرع، منحرف شده است. (همان)

۴. نصب قاضی و شیخ الإسلام

شیخ الإسلام لقبی است که از اواخر قرن چهارم هجری قمری برای شیوخ و علمای صوفیه به کار می‌رفته است. در ابتدای عهد ممالیک در مصر و شام از القاب تشریفاتی بود؛ اما پس از آن که این لقب بر مفتی اعظم عثمانی به کار رفت ارزش و اعتبار ویژه‌ای یافت و جنبه رسمی پیدا کرد. در قرن هفتم هجری این لقب بر فقهای با نفوذ اطلاق می‌شد. در دوره صفویه برای کسی استعمال می‌شد که بالاترین مقام قوه قضائیه را داشت و تمام اختیار امور شرعی و حتی عرفی، نیز عزل و نصب قضات و حکام بر عهده او بود. (دهخدا، ۱۳۴۱ش، واژه شیخ الإسلام) از دیدگاه کاشف الغطا غیرمجتهد حق ولایت بر قضا ندارد، مگر از باب تقیه. همچنین اگر ریاست مسلمین بر عهده غیرمجتهد قرار گرفته باشد، بدون اذن مجتهد جامع الشرایط نصب قاضی یا شیخ الإسلام بر او جایز نیست. (همان، ۴۳۱)

۵. تولیت زکات

به اعتقاد شیخ جعفر، مجتهد می‌تواند از طرف غایب، زکات را پرداخته یا از طرف وی، آن را قبض کند یا با مراعات مصلحت صنفی از مستحقان، زکات را تعویض نماید. او می‌تواند مقداری از زکات را در مقابل انتقال و محافظت از مال زکوی یا امور دیگر بخشیده و آن را اسقاط کند. همچنین مجتهد می‌تواند به عنوان معاوضه یا مصالحه، زکات را به مستحق خمس انتقال داده یا عکس آن عمل نماید. (همان، ۱۸۸)

۶. تولیت خمس

کاشف الغطا درباره خمس نیز معتقد است در صورت حضور امام (علیه السلام) و امکان دسترسی به ایشان سهم امام به ایشان تحویل می‌شود و در صورت عدم دسترسی به ایشان، به خاطر تقیه یا غیبت امام، بنابر اقوی به اصناف سه گانه (یتیمان، مساکین و ابناء السبیل) داده خواهد شد. ولایت بر این کار نیز بر عهده مجتهد است. (همان، ۲۱۱) از نظر شیخ جعفر، مطابق با احتیاط آن است که مجتهد افضل متصدی سهم امام شود و تولیت مصرف آن را بر عهده بگیرد. (همان)

ولایت عامه فقیه

صرف فتاوی کاشف الغطا در موارد زکات، خمس و از این قبیل، دلیل بر اعتقاد به ولایت عامه فقیهان نیست؛ زیرا منکران ولایت فقیه هم این موارد را به دلیل وجود ادله خاص از شئون فقیه می‌دانند؛ اما با توجه به تحلیل‌های ارائه شده و نظرات برخی از علما که در بالا به آن‌ها اشاره شد، و با عنایت به این که یکی از مهم‌ترین مستندات نظر کاشف الغطا و تعیین دیدگاه او در حوزه اختیارات فقیه جامع الشرایط، به کار بردن تعبیر «نائب عام» برای مجتهدان، و استفاده از تعبیر «لزوم اخذ اذن فقیه» و «جانشینی او از امام معصوم» در اجرای

حدود، سیاست‌ها و سایر امور حکومتی است (برای نمونه نک: همان، ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۵ و ۳۴۳ و ۳۴۸ و ۳۷۵ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۳۰ و ۴۳۱)، پی به اعتقاد ایشان به اصل ولایت عامه فقیه در اداره حکومت اسلامی می‌بریم. امام خمینی (رحمه‌الله) نیز پس از آن که می‌گوید: ولایتی که برای پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومان (علیهم‌السلام) می‌باشد، برای فقیه هم ثابت است، (امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۴ش، ۱۳۹) می‌افزاید: «مرحوم کاشف الغطا نیز بسیاری از این مطالب را فرموده است.» (همان، ۱۴۰-۱۴۱) افزون بر آن، سیره عملی ایشان در اجرای قوانین اجتماعی اسلام، حکایت از پذیرش ولایت عامه فقیه دارد.

نتیجه

حاصل بررسی و تحلیل عبارات کاشف الغطا، مبنی بر «تساوی انسان‌ها از نظر بندگی خدا»؛ و «نفی سلطه بندگان، بلکه هر غیر مالکی بر دیگری»، «اصل عدم ولایت» است. تنها کسی دارای ولایت است که خالق نظام هستی، به عنوان سلطان حقیقی به او ولایت داده باشد. کاشف الغطا در شمار آن دسته از فقها و علمای شیعه است که با توجه به «اقتضای دوام و بقای زندگی عمومی شیعیان»، و «استمرار نظم عمومی جامعه در عصر غیبت» و با اتکا به «دلایل عقلی و نقلی» تلاش کرده‌اند تا طبق مبانی فقهی در حد توان، نظام سیاسی مشروعی را انتزاع کرده و آن را به منزله حکومت مشروع مسلمانان کنند. مداومت سنت اندیشه سیاسی شیعه در «عدم مشروعیت ذاتی حکومت‌ها و غاصب دانستن آن‌ها در دوره عدم حضور امام معصوم»، و «اصل همکاری مصلحتی با سلطنت»، با هدف محافظت از اسلام و سرزمین‌های اسلامی از خطر بیگانگان و کفار را می‌توان در اندیشه سیاسی شیخ جعفر کاشف الغطا یافت. او در کتاب کشف الغطاء هرچند بر عدم مشروعیت ذاتی سلطنت و لزوم پیروی مردم از مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت اذعان داشته، ولی مشروعیت عَرْضی حکومت سلاطین قاجار و وجوب اطاعت از سلطان مأذون به اذن مجتهد را نیز به رسمیت می‌شناسد. کاشف الغطا هرگز سلطنت فتحعلی‌شاه را حکومت اصیل اسلامی نمی‌دانسته تا شاه بدون اذن و تأیید عالمان، خود را مشروع بخواند. وی وجوب اطاعت از حاکمی را که از حقوق مسلمانان و اسلام دفاع می‌کند، از وظایف عَرْضی می‌داند؛ او با اعتقاد به اصل ولایت عامه فقیه و جواز مداخله فقها در مسائل سیاسی، نظامی و سایر مسائل مرتبط با مسلمانان، نهایت تلاش و سعی خود را در جهت حفظ سرزمین‌های اسلامی و جان و مال مسلمانان به کار گرفته است.

منابع

۱. آبادیان، حسین، *روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس*، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰ش.
۲. ابن طاووس، سید علی بن موسی، *إقبال الأعمال*، یک جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ش.

۳. انصاری، مرتضی، المکاسب، شرح محمد کلاتر، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.
۴. جعفر پیشه فرد، مصطفی، چالش‌های فکری نظریه ولایت فقیه، قم، بوستان، ۱۳۸۱ش.
۵. حبیب آبادی، محمدعلی، مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری، ۶ جلد، اصفهان، نفایس مخطوطات، ۱۳۶۴ش.
۶. خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ۸ جلد، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۰ش.
۷. خمینی، روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ۱ جلد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۹۴ش.
۸. خورموجی، محمدجعفر، حقایق الأخبار ناصری (تاریخ قاجار)، به کوشش: جم، حسین، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۴۴ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۴۱ش.
۱۰. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۱. فراهانی، میرزا ابوالقاسم قائم مقام بن میرزا عیسی سید الوزراء، رساله جهادیه، محقق: حسینی جلالی، سید محمد جواد، ۱ جلد، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ق.
۱۲. قمی، شیخ عباس، الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة (سرگذشت عالمان شیعه)، محقق: باقری بیدهندی، ناصر، ۲ جلد، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۱۳. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (طبع جدید)، ۴ جلد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق.
۱۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۲۷ جلد، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۱۵. مظفر، محمد حسین، تاریخ شیعه، مترجم: حاجتی، محمد باقر، ۱ جلد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۱۶. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، ۸ جلد، قم، کیهان، ۱۳۶۷ش.
۱۷. نجفی، موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، با همکاری موسی فقیه حقانی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۵ش.
۱۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.